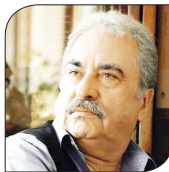


فصل تازه



سپنج رنج و شکنج فرخنده



هادی مرزبان

بازیگر و کارگردان تئاتر

ظاهر می‌شود، ولی به‌رغم پیوند طولانی دوستی‌ای که بین ما بود، در سال‌های اخیر به دلیل گرفتاری‌ها و مشغله‌های زندگی که هم من و هم او داشتیم، نتوانستیم بیشتر به هم نزدیک شویم و به نوعی از هم دور افتادیم. با اینکه استادمحمد از معدود کارگردانان و نمایشنامه‌نویسانی بود که هیچ‌گاه منم نزد، ولی در نوع خود به معنی واقعی منی متشخص بود. درام ایرانی را خوب می‌شناخت و از رهگذر این دانش و اشراق، کارهایی در قالب تئاتر ارائه کرد که زبان عامیانه کوچه بازار را به شکل باورپذیر و ملموسی روی صحنه تئاتر منعکس کرد. در مجموع، تمام کارهایی که چه در زمان حیات و چه پس از درگذشتش روی صحنه می‌رود، ارزشمند است، به خصوص نمایشنامه «کافه مسک آدم» که یکی از زیباترین نمایشنامه‌هایی بود که از او خواندم. استادمحمد هنرمندی است که گذشت زمان هرگز باعث نمی‌شود روی آثار و شخصیتش هاله غبار بنشیند. اگرچه در سال‌های اخیر در غربت درونی خودش زندگی کرد، ولی ماندگار شد. به نظر می‌رسد جوانانی که به تماشای نمایش «سپنج رنج و شکنج فرخنده» می‌روند باید فرصتی یابند تا به دیگر آثار او هم نظر کنند و بدانند تمام نمایشنامه‌هایش به خاطر سوژه قرار دادن موضوعات ملموس، جای کار دارد و می‌تواند منبع الهام خوبی برای نمایشنامه‌نویسان جوان قرار بگیرد.

پیشنهاد تئاتر

پرورنده

خواننده آلبوم «ماه و ماهی» در تدارک کنسرت تازه

گروه ادب و هنر | حجت اشرفزاده از جمله خوانندگان جوانی است که خیلی زود بعد از ورود به عرصه موسیقی توانست بدرخشد و مخاطبان زیادی را به خود جلب کند. شاید بتوان عمده شهرت این هنرمند را بعد از انتشار آلبوم «ماه و ماهی» دانست. با این حال اشرفزاده این روزها در تدارک ضبط آلبوم جدیدش است. این هنرمند صرف‌نظر از اینکه این روزها در تدارک آلبوم تازه‌اش است، برای برگزاری کنسرت هم در حال برپایی و برنامه‌ریزی است. او همچنین بعد از انتشار آلبوم «ماه و ماهی»، آلبوم دیگری را هم آماده کرده است که حال و هوای موسیقی اصیل ایرانی دارد و در ماه‌های آتی منتشر خواهد شد.

این روزها که واپسین روزهای تابستان طی می‌شود و شهر حال و هوایی پاییزی به خود می‌گیرد، در سالن‌های سینما، تئاتر و گالری‌ها هم آثار متفاوتی در معرض دید مخاطبان قرار می‌گیرد. مترجمان، نویسندگان، هنرمندان و به قولی اهالی فرهنگ و هنر، هریک از زاویه‌ای نو به آثار نمایشگاهی در گالری‌ها، کتاب‌ها و فیلم‌های روی پرده و نمایش‌های روی صحنه نظر می‌کنند و ضمن ارائه پیشنهاد نسبت به هر کدام از این آثار، مولفه‌های این کارها را هم برمی‌شمرند.

کاریکاتورهای بدون مرز



مسعود شجاعی طباطبایی

کاریکاتوریست

تعداد نمایشگاه‌های کاریکاتور روزبه‌روز در مقایسه با سال‌های گذشته بیشتر شده و همین مساله نشانگر آن است که همچنان اشتیاق فراوانی نسبت به کاریکاتور از سوی جوانان وجود دارد. «خانه کاریکاتور» به عنوان محملی برای حمایت از کاریکاتوریست‌های جوان همواره در تلاش بوده نمایشگاه‌های مختلفی را از این منظر برگزار کند و از همه مهم‌تر به آثار هنرمندان جوان شهرستانی بیشتر بپردازد، به‌ویژه اینکه خانه کاریکاتور مانند «ایران» را دارد، از این رو تلاش می‌کند به حمایت از هنرمندان از اقصی نقاط کشور بپردازد. این توجه به تمرکززدایی باعث شده اخیراً در خانه کاریکاتور، نمایشگاهی از آثار هنرمندان تبریزی برپا شود. در این نمایشگاه که تا واپسین روزهای شهریور ادامه خواهد داشت، هنرمندان جوان با تکیه بر خلاقیت و نوآوری‌هایی که در این عرصه انجام داده‌اند به خلق اثر پرداخته‌اند. هر کدام از هنرمندان این نمایشگاه به فراخور زاویه‌دید منحصر به فردی که به جامعه و اطراف‌شان داشته‌اند سعی کرده‌اند در قالب موضوعی به ارائه کاریکاتور بپردازند.

پیشنهاد کاریکاتور

حالا که صحبت از نمایشگاه هنرمندان تبریزی شده شاید بد نباشد به این مساله هم اشاره کنیم که برپایی نمایشگاه‌هایی از این دست می‌تواند به مثابه تلنگری به مدیران فرهنگی که در شهرستان‌ها فعالیت می‌کنند، باشد تا از این رهگذر هنرمندان جوان شهرستان‌ها را جدی‌تر نگاه کنند و آنها را بیش از پیش دریابند. طبیعی است امکاناتی که در پایتخت از منظر فرهنگی و هنری وجود دارد در شهرستان‌ها نیست، بنابراین باید تمهیدی اندیشید تا همین که هنرمندان جوان با امکانات محدود فعالیت می‌کنند، از ادامه این مسیر دلسرد نشوند.



چرا کتاب «۲۶۶۶» را بخوانیم؟



کیهان بهمنی

مترجم

یکی از کتاب‌هایی که اخیراً خوانندگان آن را به پایان برده‌ام و بعد از خواندن، مطالعه آن را به دوستان و آشنایان پیشنهاد کرده‌ام، کتابی با عنوان «۲۶۶۶» نوشته روبرتو بولانیو نویسنده شیلیایی اسپانیایی است که از سوی انتشارات «کتابسرای تندیس» عرضه شده است. این رمان اگرچه اثری حجیم و مطول است ولی چنان روایت پرکشش و جذابی دارد که خواننده را در حوادث تودرتوی خود غرق می‌کند. بولانیو در کتاب «۲۶۶۶» از نگاه یک خبرنگار، گزارشی مستندوار از حقایقی می‌دهد که در جامعه رخ داده است و در کنار تمام این مشکلات، پرده از قتل‌های زنجیره‌ای برمی‌دارد که در ورای این قتل‌ها ماجراهای زیادی نهفته است.

شبکه کتاب

شاید یکی از دلایل رونق گرفتن ادبیات آمریکای لاتین را در کمربند شدن ادبیات در آمریکا و اروپا در سال‌های اخیر دانست. به‌خصوص اینکه در این سال‌ها در مقایسه با گذشته، دیگر شاهد چهره‌های بزرگ و شاخص در ادبیات داستانی اروپا و آمریکا نبوده‌ایم ولی در کشورهای آمریکای لاتین رشد زیادی از این منظر بوده و تولیدات ادبی انبوهی که هرکدام مضمون خاصی در دستمایه کار خود قرار داده‌اند، افزایش یافته است.

نویسندگان آمریکای لاتین در عین اینکه تلاش می‌کنند مولفه‌های بومی‌گرایی را در کارشان حفظ کنند و بی‌آنکه بخواهند ادای جهانی شدن را در پیابورند، جهانی می‌نویسند، آنها به مسائلی در آثار ادبیات داستانی اشاره می‌کنند که برای مخاطبان کشورهای دیگر، خاصه مردم آسیا از جذابیت زیادی برخوردار است. از این‌روست که می‌توان گفت ادبیات آمریکای لاتین در سال‌های اخیر توانسته به مراتب عملکرد موفقیت‌آمیزتری داشته باشد.



#



با علی نجفی توانا، جرم‌شناس درباره آخرین ساخته اصغر فرهادی

«فروشنده» آینه تمام‌نمای آسیب‌های اجتماعی است

فرهنگستان | فیلم «فروشنده» یکی از فیلم‌هایی است که به تازگی بر پرده سینماها اکران شده است. این فیلم که اصغر فرهادی کارگردانی آن را بر عهده داشته به روایت زندگی زوجی می‌پردازد که با پیش آمدن مشکلاتی برای منزلی که در آن ساکن هستند به خانه دیگری می‌روند. غافل از اینکه در خانه جدید اتفاقات ناخوشایندی در انتظارشان است. از آنجایی که «فروشنده» لایه‌های مختلف جامعه‌شناسی و روانشناسی را در برمی‌گیرد با علی نجفی توانا، جرم‌شناس و رئیس سابق کانون وکلاد در باره جزئیات فیلم به گفت‌وگو نشستیم.

|||

«فروشنده» فیلمی است که با طرح مساله تعرض به طرح دیگر مشکلات اجتماعی هم می‌پردازد، به‌طور کلی دیدگاه خود شما از منظر حقوقی به این فیلم چگونه است؟

فیلم «فروشنده» از جنس فیلم‌هایی است که دستمایه اولیه آن بر تعصبات خانوادگی و ناموسی بنا نهاده شده است. در عین حال از طبقه‌ای سخن می‌گوید که متعلق به مردم عادی کشور است و گذشته از آن از یکی از پدیده‌های اجتماعی سخن به میان می‌آورد که از گذشته تا امروز، دامنگیر جامعه ایرانی بوده است. فیلم از چند بعد جرم‌شناسی، روانشناسی و جامعه‌شناسی قابل بررسی است. به‌خصوص از زاویه حقوق کیفری می‌توان آن را مورد واکاوی قرار داد. از نظر حقوق کیفری با توجه به اینکه شخص متجاوز بعد از آنکه می‌فهمد اشتباه وارد منزلی شده و آن زن، زنی نیست که او تصور می‌کرده، ولی به اشتباه خود ادامه داده و به گفته خودش وسوسه شده، مستحق مجازات شناخته می‌شود. از طرفی شوهر هم با اعتقاد بر اینکه متجاوز مستحق اشد مجازات است تلاش می‌کند او را به سزای عملش برساند. اگرچه مرد متجاوز را در نیمه‌راه رها می‌کند و از تصمیم نهایی‌اش منصرف می‌شود. با این انگاره و تصور که این فرد، خود بیچاره‌ای است از خیل بیچارگان جامعه.

یکی از مسائلی که فیلم تلویحاً به آن اشاره می‌کند مساله روسپی‌گری و تبعیض است که دامنگیر فرد و جامعه می‌شود، از بعد جامعه‌شناسی این مساله را چطور می‌بینید؟

تصور می‌کنم متأثرترین بعد قضیه همین جاست، زنی که با وجود داشتن فرزند و به دلیل مشکلات اقتصادی و تنگناهای مالی تن به روسپی‌گری می‌دهد. روسپی‌گری یکی از تلخ‌ترین آسیب‌های اجتماعی ما به شمار می‌رود که آمار آن روزبه‌روز هم به فراخور مشکلات امرام معاش افزایش می‌یابد. در عین حال اگر بخواهیم این مقوله را از زاویه دیگری بررسی کنیم باید به مساله عدم آموزش جنسی اشاره کرد. فیلم نشان می‌دهد که بسیاری از مردان جامعه، از آگاهی و آموزش در این زمینه برخوردار نیستند و حتی گاه با وجود آنکه متاهلند نمی‌توانند از پس نیازهای طبیعی‌شان برمی‌ایند. در واقع «فروشنده» می‌خواهد به این نکته اشاره کند که نه‌تنها آن زن که مورد تعرض واقع شده قربانی است، بلکه مرد متجاوز هم از لونی دیگر قربانی شناخته می‌شود. هر دوی آنها محصول اجتماعی هستند که از آموزش کافی در این حیطه‌ها برخوردار نیستند. در نتیجه بی‌وفایی و خیانت به این شکل خودش را نشان می‌دهد. نکته جالب برای من در این فیلم این است که با وجود آنکه مرد متجاوز به اشتباه خود پی می‌برد، اگر زن خود را به آینه نمی‌کوبید هم چنان این عمل شنیع را ادامه می‌داد. کم‌اینکه در فیلم هم به این مساله اشاره می‌کند که «وسوسه شدم». این جمله بازهم نشان از امیال فروخورده جنسی و عدم آموزش صحیح در جامعه دارد و باعث می‌شود مرد به دلیل عدم تسلط روانی کافی بر رفتار خود و از دست دادن مدیریت بحران روانی جنسی به تعرض اقدام کند.

علی نجفی توانا، جرم‌شناس و رئیس سابق کانون وکلا

نکته قابل بحث دیگر در فیلم امتناع کردن زن از شکایت علیه متجاوز است، شرایط فرهنگی در کشور ما گاهی به این شکل بوده که زنانی که در مواقعی قربانی این مسائل شده‌اند از ترس آبرو و اینکه میباید اتفاقی که برایشان افتاده ابعاد وسیع‌تری در جامعه و به قولی در و همسایه پیدا کند، سکوت کرده‌اند، در این زمینه هم توضیح بدهید.

همین‌طور است، از بعد جامعه‌شناسی «فروشنده» می‌تواند بر ملاکننده آسیب‌های فراوانی باشد که مثل حلقه زنجیر به هم پیوسته‌اند. آسیب‌هایی که عدم احساس امنیت را در اشخاص به جایی می‌رسانند که زن قربانی که می‌تواند با وجود طرح شکایت اقامه دعوی کند، از این کار سر باز می‌زند. به این خاطر که همان‌طور که در سوال اشاره کردید از تبعات منفی و واکنش‌های اطرافیان می‌ترسد، پس از حقوق طبیعی خود می‌گذرد. «فروشنده» در جایگاه فیلمی اجتماعی، مواردی واقعی را که بارها دیده و شنیده‌ایم به یادمان می‌آورد. به‌عنوان مثال حادثه تجاوز به چند زن در یک خانواده در استان اصفهان از این موارد است. آمارهای موجود نشان می‌دهد زنان قربانی به دلیل ترس از خانواده و جامعه به طرح شکایت نمی‌پردازند، شاید هم با خود فکر می‌کنند کسی آن‌طور که باید در این مسیر از حقوق آنها دفاع نمی‌کند.

ما در فیلم با تضاد سنت و مدرنیته هم مواجه هستیم، فیلم نشان می‌دهد اگرچه همه افراد تمایل به رفتن به سمت مدرنیته و زندگی مدرن اجتماعی دارند، در عمل و در بزنگاه‌هایی که رخ می‌دهد هنوز درگیر و دار سنت‌ها گرفتار هستند.

درست است، جامعه ایرانی کماکان به لحاظ ظاهری مدرن است، ولی همان‌طور که اشاره کردم از منظر آموزشی و فکری در دوران گذشته باقی مانده است. در نتیجه نوعی تعارض میان مدرنیته و سنت موجب عدم پیمایش منطقی زندگی فردی و اجتماعی شده است. دیدن «فروشنده» باعث می‌شود به این فکر کنیم با وجود آنکه در کلتانشهر زندگی می‌کنیم و سازوکارهای شنیداری و دیداری و شبکه‌های اجتماعی ما را به سمت دنیایی نو سوق می‌دهند، فرهنگ ما متفاوت است با آنچه پیش رو قرار دارد. ما آموزش ندیده‌ایم، فرزندان ما آموزش ندیده‌اند، ولی دارند به سمت زندگی پسمادرن می‌روند.



نمایی از فیلم «فروشنده»

لذت تماشای کنسرت ارکستر سمفونیک تهران



وحید تاج

خواننده موسیقی سنتی

توانسته فعالیت‌های خوبی داشته باشد. در حال حاضر شاهد برگزاری کنسرت‌های متعددی در طول یک ماه هستیم و جا دارد در این مقال اندک از کنسرت حسام‌الدین سراج که قرار است اوایل مهر در حوزه هنری به همراه گروه «سور» روی صحنه برود، یاد کنم. سراج از هنرمندان با شخصیت در عرصه موسیقی معاصر ما به شمار می‌رود که من افتخار دوستی با او را داشته‌ام. من از دوران کودکی صدای سراج را گوش می‌دادم و آثاری را که او ارائه می‌کرد، دنبال می‌کردم. مرام و مسلک او نه‌تنها از سوی من که از طرف تمام اهالی موسیقی زیاندر است. به همین خاطر تصور می‌کنم تماشای کنسرت «مثل سایه‌ها» که قرار است در روزهای آتی در تالار «اندیشه» حوزه هنری روی صحنه برود برای آن گروه از مخاطبانی که به موسیقی سنتی علاقه‌مندند خالی از لطف نباشد. بی‌تردید جز دو کنسرتی که به آنها اشاره کردم، کنسرت‌های خوب دیگری هم هستند که نه فقط در ژانر موسیقی سنتی که در دیگر شاخه‌ها در اندازه و توان و امکانات خود تلاش می‌کنند نظر مخاطبان را جلب کنند، ولی همان‌طور که اشاره کردم، بی‌توجهی رسانه‌ها، خاصه رسانه ملی نسبت به موسیقی و اطلاع‌رسانی درباره آن جای تاسف دارد.

پیشنهاد موسیقی



از آنجایی که آدم‌ها همیشه به سلامت جسمانی خود اهمیت می‌دهند، سعی می‌کنند مواد غذایی با کیفیت را در زندگی روزمره مصرف کنند تا خطری سلامت آنها را تهدید نکند. درباره کنسرت هم به این شکل است؛ کنسرت خوب مثل غذای خوب است و با انتخاب کیفی آثار موسیقایی می‌توانیم به روح و روان خود احترام بگذاریم. در شرایط کنونی برخی از آثارهای موسیقی هستند که به‌رغم فعالیت پررنگ و ارزشمندی که انجام می‌دهند به واسطه بی‌توجهی رسانه‌ها در سایه قرار گرفته‌اند؛ به‌ویژه رسانه ملی که در تمام این سال‌ها در برابر حرکت‌های مطلوبی که در عرصه موسیقی صورت می‌گیرد عملاً سکوت اختیار کرده و به این هنر والا و پرقدمت میدان نمی‌دهد. برای نمونه می‌توان به کنسرت ارکستر سمفونیک تهران اشاره کرد که در روزهای بیست‌ونهم و سیام شهریور در تالار وحدت به رهبری شهرداد روحانی برگزار می‌شود، اما آن‌طور که شایسته این ارکستر است، هیچ تبلیغ و اطلاع‌رسانی‌ای از سوی رسانه ملی انجام نمی‌شود. دیدن کنسرت ارکستر سمفونیک را در حالی به مخاطبان و هنردوستان پیشنهاد می‌کنم که به‌زعم من این ارکستر در سال‌های اخیر و با وجود تمام افت‌وخیزها و مشکلاتی که در وادی موسیقی وجود داشته،